

۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ - شماره: ۱۴

مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

فجر صادق پس از غروبی غمناک و طولانی؛
یادداشتی بر کتاب
بازگشت به اسلام اثر منصور هاشمی خراسانی

نویسنده مقاله:

دکتر کریم محمدزاده

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحيم



چند ماه پیش کتابی با عنوان «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی علامه «منصور هاشمی خراسانی» از سوی فردی ناشناس به دستم رسید. او از من خواست تا این کتاب را با دقت و حوصله‌ی کافی مطالعه کنم و آن را مورد بررسی و واکاوی عقلایی قرار دهم. اما با توجه به اینکه در طول هفته مجلات و کتاب‌های مشابهی از این دست، بسیار به دستم می‌رسید ابتدا تصوّر کردم که این کتاب با توجه به نام ساده و ظاهر بی‌تکلفی که دارد، اثری معمول و غیر قابل اعتناست، اما پس از فراغتی که حاصل شد، شروع به تورّق آن نمودم و چند صفحه‌ای از آن را مطالعه کردم و علی‌رغم توقّعی که داشتم، آن را بسیار متفاوت و عمیق‌تر از چیزی یافتم که می‌پنداشتم و آن‌چنان مجذوب و درگیر مباحث دقیق و مبانی چالش‌برانگیز آن شدم که گذر زمان را احساس نکردم. زمانی که به خود آمدم دیدم بخش قابل توجهی از کتاب را مطالعه کرده‌ام و ابواب معرفتی جدیدی پیش رویم گشوده شده است و سوالات بی‌پاسخ بسیاری در برابر خود می‌یابم؛ چراکه مبانی عمیق و تأمل‌برانگیز آن از یک سو کاملاً مستند و معقول می‌نمود و از سوی دیگر تفاوت‌های بارزی با قرائت رایج و پیش‌فرض‌های بنیادین فکری و معرفتی من و جامعه‌ام داشت. پس از مدتی بررسی به این نتیجه رسیدم که با اثری خاص و بسیار متفاوت و نه از جنس سایر کتاب‌هایی که تاکنون خوانده‌ام، مواجه هستم و از همین رو باید اهتمام ویژه‌ای در مطالعه‌ی آن داشته باشم تا دقیقاً دریابم که از چه سخن می‌گوید و چه

پشتوانه عقلی و شرعی دارد. لذا درباره‌ی موضوعات و مباحث آن به تعمق پرداختم و بر روی این کتاب تمرکز کردم.

اما فارغ از محتوا و درون مایه‌ی کتاب، نکته‌ای که برخی از منتقدان این کتاب بر روی آن تأکید دارند، ناشناس و یا به تعبیر بهتر گمنام بودن نویسنده‌ی آن است؛ به این معنا که بیوگرافی و سوابق او برای آنان معلوم نیست و یا مثلاً تحصیلات و اساتید او برایشان مجهول است. خلاصه آنان معتقدند که چنین کتابی که نویسنده‌ی آن را نمی‌شناسند معتبر و قابل اطمینان نیست؛ زیرا تنها در صورتی می‌توانند به مطالب و مضامین یک کتاب اطمینان کنند که نویسنده‌ی آن برایشان کاملاً شناخته شده و معلوم باشد. اگرچه چنین استدلالی امروز در جامعه بسیار رایج و مرسوم است، اما به خوبی می‌دانیم که هر امر رایجی صحیح نیست و هر رسم و رواجی مبنای صحیح عقلی یا شرعی ندارد. بل کاملاً روشن است که صحت یا اعتبار یک گفته یا نوشته هرگز ارتباط معقول و معمولی با شخصیت گوینده‌ی آن ندارد، مگر در مورد اولیاء معصوم خداوند که بی‌تردید گفته یا نوشته‌ی خطا از آنان صادر نمی‌شود. اما سایر مردم هر اندازه که معروف یا صاحب نام باشند، خطاهای بسیاری از آنان سر می‌زند و شهرت و شناخته بودن آنان مانع از آن نمی‌گردد. به علاوه، عدم شهرت یا گمنام بودن یک نفر به معنای گمراهی او از صراط مستقیم و غلط بودن سخنانش نیست. از همین رو، چنین شبهه و ابهامی درباره‌ی این کتاب هرگز برای من مطرح نبود و با خود گفتم اگرچه نویسنده‌ی این کتاب را نمی‌شناسم و کتاب دیگری از او نخوانده‌ام، اما بیش از آنکه هویت و کیستی او اهمیت داشته باشد، چیزی که می‌گوید اهمیت دارد. بلکه فراتر از این، می‌توان گفت معرف اصلی او سخنان و براهین اوست؛ چراکه می‌فرماید: «**المرء مخبوء تحت لسانه**» و نیز گفته‌اند: «**أنظر إلى ما قال و لا تنظر إلى من قال**».

در هر حال، تمام سعی خود را کردم که بدون هیچ‌گونه پیش‌داوری عجولانه‌ای و به حکم آیه‌ی شریفه «**فبشّر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه أولئک الذین هداهم الله وأولئک هم أولو الألباب**» کتاب را به صورت کامل مطالعه کنم و اگر سخن حقی در آن می‌یابم بپذیرم و تبعاً سخن باطل آن را رد نمایم. به این ترتیب، اوقات قابل توجهی از چند روز کاری خود را صرف مطالعه‌ی دقیق و عمیق کتاب «بازگشت به اسلام» کردم و از آنجا که مبنای و مضامین این کتاب به صورت بی‌سابقه‌ای برایم مهم و شایان توجه بود، وقت واسعی را برای آن اختصاص دادم و تا همین امروز که چند ماهی از اتمام مطالعه‌ی کتاب می‌گذرد، خداوند را

همواره شکر می‌گویم که توفیق یافتم که چنین وقتی را برای مطالعه‌ی آن اختصاص دهم؛ چراکه مطالعه‌ی این کتاب عمیق و خواندنی، معارف نابِ پیرامون حقیقت اسلام به من منتقل نمود و من را از خوابی گران که پیش از این تمام زندگی‌ام را فراگرفته بود، بیدار کرد؛ چراکه بدون اغراق این کتاب نه صرفاً در مقام شعار و کلیشه‌پردازی، بلکه در مقام عمل و به صورت کاملاً عینی بهترین طریق را برای بازگشت به اسلام خالص و کامل معرفی می‌کند و حقایق عمیق و آرمان‌های اصیل اسلام را به خوبی به نمایش می‌گذارد. نویسنده‌ی دانشمند و فاضل این اثر ارزشمند، از مبادی و بنیادهای مسلم عقلی و شرعی مباحث خود را شروع می‌کند و با ابتدایی‌ترین مسأله‌ی معرفتی یعنی شناخت حقیقت، معیار و موانع آن سفر معرفتی خویش را آغاز می‌نماید. به عقیده‌ی او، ریشه‌ی بسیاری از ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اُمّت اسلام، از اختلاف و تشّت مسلمانان در شناخت اسلام نشأت می‌گیرد و این ضرورت تعیین معیار واحدی برای شناخت اسلام را اثبات می‌کند تا مسلمانان در سایه‌ی این شناخت واحد به تفاهم و اتحاد راستین دست یابند. در ادامه‌ی این سفر معرفتی پله به پله به صعود خود ادامه می‌دهد و با تکیه بر عقل سلیم و حکم یقینی شرع، ضمن تبیین ضرورت بازگشت به اسلام و اقامه‌ی آن در سرتاسر جهان، به کاوشی عمیق و بنیادین درباره‌ی موانع عملی این حرکت مبارک در طول تاریخ اسلام می‌پردازد. همچنین ایشان در بخش پایانی کتاب خویش، با استناد به یقینیات و مسلمات شریعت و نیز بهره‌گیری از منابع اصیل و دسته اول اسلامی، حقایق عمیق و معارف بی‌بدیلی درباره‌ی عقاید و احکام اسلام ارائه می‌کند، تا جایی که خواننده را به جهل و غفلت خویش از حقیقت مکتوم اسلام معترف می‌سازد؛ خواننده‌ای که هر چند ممکن است در ابتدا با برخی مباحث و مبانی کتاب موافق نباشد، اما در ادامه و امتداد این سفر معنوی و معرفتی، یارای مقابله در برابر اتقان و استحکام مبانی اصیل کتاب را در خود نمی‌بیند و دلیل قاطعی بر ردّ مبانی آن از کتاب خدا و سنت متواتر پیامبر نمی‌یابد تا به آن استدلال کند و عدم موافقت خویش را وجاهت بخشد. این از آن روست که یکی از خصائص منحصر به فرد این اثر، تأکید ویژه و مکرّر مؤلف نابغه‌ی آن بر لزوم یقینی بودن شناخت و استناد به یقینیات است. به همین خاطر است که مبانی کتاب «بازگشت به اسلام» همگی قطعی و مبتنی بر یقینیات و مسلمات اسلامی است و لذا در جای جای کتاب، جز امور یقینی مبنای استدلال قرار نگرفته است و با توجّه به موضوع خطیر و سرنوشت‌ساز آن، به جرأت می‌توان گفت چنین اثری، کاملاً بی‌سابقه و در حال حاضر بی‌نظیر است و نشان از علم فراوان و تسلط و اشراف مؤلف دانشمند آن به منابع معتبر اسلامی دارد.

اما روشن است که ندای بازگشت به اسلام اگرچه اولین باری نیست که از سوی شخصیتی در جهان اسلام مطرح می‌شود و به گوش مسلمانان می‌رسد و به خوبی می‌دانیم که بسیاری از گروه‌های اسلامی خصوصاً گروه‌های سلفی و مدعیان بازگشت به سنت سلف صالح، تاکنون سخن از این آرمان مقدس به میان آورده‌اند و مدعی طرح راه‌حلی برای نیل به آن شده‌اند، اما بیش از هر چیز نتایج و تبعات ناخوشایند و ناگوار چنین دعوت‌هایی در مقام عمل و از سوی دیگر مبانی سست و ظنی آنان در مقام نظر، نشان داد که خواسته یا ناخواسته در ادعای خود صادق نبوده‌اند و نه تنها اوضاع جهان اسلام را بهبود نبخشیده‌اند، بلکه بر وخامت اوضاع آن افزوده‌اند و جریان‌های تند و افراطی و محافظه‌کار و واپس‌گرا را در دامن خود پرورده‌اند. اما اعتقاد من بر آن است که کتاب ارزشمند «بازگشت به اسلام» اثر مؤلف دانشمند، منصور هاشمی خراسانی، اولین ندای صادق و دعوت حق یک مسلمان آگاه و روشن‌ضمیر به سوی اسلام خالص است و می‌توان آن را اولین طلوعی صبح صادق پس از غروب غم‌انگیز و طولانی اسلام و نویدبخش عصری نو برای امت اسلامی به شمار آورد.

